

نقش علوم انسانی در توسعه اقتصادی

پروفسور متیو کرامر معاون پیشین انجمن حقوق و علوم اجتماعی بریتانیا و استاد دانشگاه کمبریج با اشاره به اینکه علوم انسانی ارتباط مستقیمی با توسعه اقتصادی دارد گفت: علوم انسانی باعث می شود تا افراد در گفتار و نوشتار خود دقیق باشند.



پروفسور متیو کرامر معاون پیشین انجمن حقوق و علوم اجتماعی بریتانیا و استاد دانشگاه کمبریج با اشاره به اینکه علوم انسانی ارتباط مستقیمی با توسعه اقتصادی دارد گفت: علوم انسانی باعث می شود تا افراد در گفتار و نوشتار خود دقیق باشند. به گزارش خبرنگار مهر، معمولاً وقتی از توسعه اقتصادی سخن به میان می آید برخی تصور می کنند که تنها علوم فنی و مهندسی است که به توسعه اقتصادی منجر می شود. این در حالی است که علوم انسانی مبنا و زمینه ساز توسعه اقتصادی است.

اگر بپذیریم در جوامعی که از توسعه یافتگی سیاسی برخوردار هستند علوم انسانی نیز رشد و توسعه یافته است در این صورت می توان ارتباطی میان رشد و توسعه علوم انسانی و توسعه سیاسی از یک سو و رشد و توسعه علوم انسانی با رشد اقتصادی از سوی دیگر برقرار کرد.

بر این اساس این موضوع را با پروفسور متیو کرامر استاد دانشگاه کمبریج در میان گذاشته ایم که در ادامه پاسخهای وی می آید. متیو کرامر استاد فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق دانشگاه کمبریج و مدیر برنامه فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق در این دانشگاه است. کرامر معاون پیشین انجمن حقوق و علوم اجتماعی بریتانیا بوده است. "محل تلاقی اخلاق و حقوق" و "نظریه حقوق، نظریه سیاسی و شالوده شکنی" از جمله آثار وی به شمار می روند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: توسعه اقتصادی در یک کشور چه نسبتی با رشد و گسترش علوم انسانی دارد؟

کرامر: در ابتدا باید گفت که علوم انسانی ارتباط مستقیمی با توسعه اقتصادی دارد. مورخان می توانند گزارشی از وقایع گذشته بدهند که به درد حال بخورد. فیلسوفان زبان و منطق می توانند طرحهایی برای گسترش و توسعه انفورماتیک و علوم کامپیوتر ارائه دهند.

به هر حال نقش اصلی علوم انسانی در توسعه یافتگی غیر مستقیم است. به این معنا که نهادهای شدن مهارتهای انتقادی و قدرت تحلیلی افراد و دانشجویان می شود. علوم انسانی باعث می شود تا افراد در گفتار و نوشتار خود دقیق باشند.

در این خصوص مهمترین نقش علوم انسانی چیست؟

در واقع همانگونه که بیان شد مهمترین نقش پنهان و غیر مستقیم علوم انسانی در نهادهای سازی مهارت و تفکر انتقادی در افراد جامعه و دانشجویان است. نهادهای شدن مهارت انتقادی نیز بر توسعه یافتگی جوامع اثر دارد.

وقتی مهارت انتقادی در دانشجویان نهادهای شود این دانشجویان در آینده وارد مشاغل مدیریتی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و غیره می شوند و بر این اساس می توانند با افرادی که تعامل دارند نیز این مهارت را منتقل کنند.

آیا می توان چنین استدلال کرد که توسعه اقتصادی زمینه ساز توسعه سیاسی است و به طور علی منجر به توسعه سیاسی خواهد شد؟

نه چنین نیست. اتحاد جماهیر شوروی در گذشته و چین در حال حاضر نمونه و مثالی از کشورهایی هستند که به لحاظ اقتصادی توسعه یافته بوده و هستند ولی به لحاظ ساختار سیاسی دارای ساختاری بسته بوده و هستند.

به هر حال باید توجه داشت که عقب ماندگی سیاسی به روشها و طرق مختلف سعی دارد تا توسعه اقتصادی را در دستور کار داشته باشد تا بتواند پوششی برای این عقب ماندگی باشد.

در این خصوص می توانید مثالی بیاورید؟

فساد در اتحاد جماهیر شوروی سابق امری رایج و شایع بود. در حال حاضر نیز در چین فساد اقتصادی امری رایج و شایع است. فساد و ارتشایی که در اقتصاد چین وجود دارد شاید بیشتر از هر جای دیگر باشد.

چین به رغم حجم بالای صادرات خود بدهی های زیادی نیز دارد و هزینه های این کشور نیز خیلی زیاد است.